



ترانه‌های محلی نهبندان بیرجند

نرگس عباسی

نرگس عباسی در سال ۱۳۷۱ شروع به جمع‌آوری دوبیتی‌های محلی در نهبندان و روستاهای اطراف بیرجند کرد و حاصل تلاش خود را برای استفاده در برنامه فرهنگ مردم رادیو فرستاد. نامبرده علاوه بر دوبیتی‌های نهبندان و روستاهای اطراف، دوبیتی‌های دیگر روستاهای بیرجند مثل برفنچ، القور، برج زیاد، سنگ‌آباد، کوشک و فلارک را از نظر دور نداشت و با استفاده مناسب از رایوانی مثل حاجی کوکب سلمانی مقدم، فاطمه صغری افضلی، خورشید بانو خاک‌رو و فاطمه صدیقی تعداد زیادی از دوبیتی‌های رایج در این منطقه را گردآوری کرد. دوبیتی‌های ذیل بخشی از دوبیتی‌های نهبندان و روستاهای اطراف بیرجند است.

به مولایی که تیغ او ذوالفقاره
سر از شیدای عشقو برنده
که تا دین محمد برقراره

به ایوانی که او را کس ندیده
خدا رحمت به جانم آفریده
کجا سلمان^۱ بتراشه سرم را
که موی سر به پیشانی رسیده

خداوندا مرا درمانده نگذار
رسول الله مرا شرمنده نگذار
به حق سوره انا فتحنا
لب لعل گلم بی‌خنده نگذار

امیرالمؤمنین دردم دوا کن
گره در کار ما افتاده وا کن
چراغ روشنی نذر تو دارم
که هرجا دشمنی دارم فنا کن

که قرآنی که خط او ناشماره

۱. سلمان: آرایشگر

ستاره ور سرم الله و بالله

خبر از من ببر ور یار ملّا^۱

بگو یار ملّا یار ملّا

وفاداری همی هه بارک الله

عزیزا صبرم از ایوب بگذشت

فراق یوسف از یعقوب بگذشت

چو کاروان مانده‌ام در گوشه لوت

بیا که کاروان از لوت بگذشت

شباشبگیر کنوم^۲ ای ره‌هاژ

بگیر و قفل آقای رضا رُ

به قربون ضریح پرنیر^۳ حضرت

شفاعت می‌کنه شاه و گدا رُ

می‌رم به طوس^۴ که وقت خرما تره

عشق من و گل ز آب و آتش بتره^۵

این کهنه قبا که ور برم می‌بینی

یک تای دگه دار و از ای کهنه‌تره

خودم سبز و یارم سبزه پوشه

خودم در باغ و یار گل می‌فروشه

خودم سینگ^۶ و یار ما ترازو

و نرخ زعفرو گل می‌فروشه

منه برده و چارباغ^۷ گل نار

به پای ارگ آقا مدقلی خان^۸

بیارده پشتنه چوب اناره

که کار عاشقی هسته سزاوار

بیا برشی^۹ او اول از وطن گو

دوم از بلبل شیری سخه^{۱۰} گو

سخنهای که دلبر ور تو می‌گفت

بیا برشی او یک یک ره به من گو

و تی باغ باغ‌بینی گنومه

ز چوب نار ساربینی کنومه

بگیرو کفترو سبز هوا ره

و روی پای دلبر خی گنومه

برگردان: در داخل باغ باغبانی می‌کنم با چوب انار

ساربان می‌کنم. بگیرم کفتر سبز هوا را به پای دلبر

خون بریزم.

مه می‌نالم لوگم نالد از دل

۶. سینگ: سنگ

۷. چارباغ: مکانی در نهبندان

۸. ارگ آقا مدقلی خان: مکانی مربوط به یکی از خوانین قدیم نهبندان

۹. برشی: بنشین

۱۰. سخه: سخن

۱. ملّا: باسواد

۲. کنوم: کنم

۳. نیر: نور

۴. طوس: طیس

۵. بتره: بدتر است

بناله ما و لوک منزل به منزل

لوکم نالد از سنگینی بار

خودم نالم که دور افتادم از یار

برگردان: من می‌نالم شتر جلودار هم از دل می‌نالد.

می‌نالیم من و شتر منزل به منزل، شتر از سنگینی بار

می‌نالد و من از دوری یار.

اگر حیر پری آی نمی‌خواه

صد و سی مشتزی آی نمی‌خواه

به غیر از دلبر جانانه خُو

اگه ماه وَر زمی آی نمی‌خواه

برگردان: اگر حور و پری بیاید، صد و سی

خواستگار بیاید نمی‌خواهم جز دلبر جانانه خود اگر ماه

بر زمین آید نمی‌خواهم.

آتش و زمستو ز گل صبحی به

از آدم بد کناره آ دوری به

شیرین سخنی گفت به لقمان حکیم

هرچند سخن خوش، خاموشی به

برگردان: گرمی آتش در زمستان از گل باز شده دم

صبح بهتر است از آدم بد کناره گیری بهتر است.

قلیو گرگر بی‌هیده^۱ داره

که مغز استخوان ره پییده^۲ داره

الهی تخم تنباکو بسوزه

که رنگ زرد دل ره مرده دارد

سرکوه بلند جیغ پلنگه

صدای نی زرم تیر و تفنگه

رفیقو حرمت هم ره بدونه

که بالشت قیامت، تخته سنگه

قد لیلی و مجنی^۳ سرو سر بی

خوراک هر دی تا خون جگر بی

اگر لیلی دل شیریده‌ای^۴ داشت

دل مجنی از او شیریده‌تر بی

بیا دلبر که بی تو جو(ن) ندارو

لب شاد و دل خندو(ن) ندارو

لب شاد و دل خندو که بخندو

بیا که طاقت هجرو(ن) ندارو

اگر عهد توزه اشکسته باشو

ز درد دل همیشه خسته باشو

کلام الله کنه خصمی به جانم

اگه با دیگرو دل بسته باشو

گلی می‌خوا نه از خاک نه از باد

نه از جسم و وجود آدمیزاد

گلی می‌خوا که پیدا نمی‌شو

۳. مجنی: مجنون

۴. شیریده: شوریده

۱. بی‌هیده: بیهوده

۲. پییده: پوک

مگر در آسمو(ن) گردِ پریزاد

طلا و اشرفی ناره نمی‌شو

بزرگی از لباس نو نمی‌شو

اگر گندم صد سال خوار کرده

که گندم گندمه آجو نمی‌شو

زمین کشت ر ماله کنومه

ز درد عاشقی ناله کنومه

همه می‌گه که ترک یار خو کو

اشنه^۱ ترک گل لاله کنومه

زمین نرم بی تخم علف نیست

خدا می‌دونه ور شیرم خلف^۲ نیست

خدا می‌دونه آ خلق هم بدونه

هیچ دریایی بی دُر و صدف نیست

اگر ماهی ته مهتابت بیایو

اگر مُشکی خریدارت بیایو

اگر بلبل شوور در عالم

تا هندوستو و دنبالت بیایو

اگر درد دل هم چی بمونه

یقین دارو که جوورمه نمونه

اگر درد دل ور کوه بگوییو

که کوه ور کارم حیرو بمونه

گل مه می‌روه چاره ندارم

اگر دستم رسه کی می‌گذارم

گل مه می‌روه سوی ولایت

گل خو ور خدا می‌سپارم

گلی دارم به دست کس نمی‌دم

خریدم گوهر او پس نمی‌دم

خریدم گوهری نرخش گرونه

بدست هر کس و ناکس نمی‌دم

بیا از در در آ گل دسته من

سبب پر گل شده سر بسته من

بیا کز دوریت بیمار گشتم

طبیعی شو به جان خسته من

صد سال سیه پوشم و صد سال سپید

صد سال دیگه نشینم از بهر امید

صد سال دیگه خدمت شایسته کنو

تا ابر سیاه کرده و نیل سفید

به قریون قد قاعده تو

عجب مهر ور ایدل داده‌ای تو

دمی که از در خونه میایی

و دل میگو حکومت زاده‌ای تو

سرچشمه رسید و آب بارو

۱. اشته: چگونه

۲. خلف: خلاف

مرا تیر زده چابک‌سوارو
الهی بشکنه دست سوارو
چه می‌خواستنه از من وحش بیابو

سرچشمه رسید و تشنه بیدو
دی تا مرغ سفید تحفه دیدو
دی دست بردو که مرغار بگیرو
چنی پرید که رنگش ز ندیدو

لبت قندو دهن قندو زبان قند
خود یارم کیزه^۱ آب سمرقند
اگر از عرش بالاتر نشینی
نصیب من ترا کرده خداوند

قلمفورهایی^۲ که کردی روونه
به دست من رسید دونه و دونه
و دست من رسید بوی خوش دا
خدا ما و تره ور هم رسونه

اگه دلبر و مه دلگیر باشه
علاج رفتنم شبگیر باشه
و پابوس تو دلبر خواهد آمد
اگه در پای من زنجیر باشه

دلَم تنگه برای نور دیده

رخم زرده چو کاه نم کشیده
رفیقو(ن) حرمت هم‌زه بداره
سر و کارم به تنهایی کشیده

گل خود ره بدیدو زار و خسته
سر کوچه تک و تنها نشسته
می‌خواستو خودو راز دل بگویو
زدک حرف که مرغ دل شکسته

اگه عهد تو ره مشناختو ای گل
خه ره کی ور بلا مندختو ای دل
اگه عهد شمه مردم همی بی
و درویشی خو می‌ساختو ای گل

برگردان: اگر عهد ترا می‌شناختم کی خودم را در بلا
می‌انداختم، اگر عهد شما مردم همین بود به نداری خودم
می‌ساختم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کیزه: کوزه

۲. قلمفور: قرنفل. گیاهی خوشبو شبیه میخک